

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زمزمهٔ وصال

بررسی سند دعای ندبه

فهرست مطالب

- ۴..... دیباچه
- ۱۲..... دمی با محبوب
- ۱۴..... پیام نور
- ۱۸..... وادی عشق
- ۱۸..... اصالت سند
- ۲۱..... چند نکته قابل توجه
- ۱۴..... نکته اول
- ۱۵..... نکته دوم
- ۱۶..... نکته سوم
- ۳۲..... زیباترین فراز
- ۳۳..... سیری گذرا!
- ۳۴..... ندبه در فصل ها
- ۴۲..... متن دعا

دیباچه:

... وَ اِیَاهُمْ فَلِیَنْدُبِ التَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرِفِ الدُّمُوعُ...
 [شایسته بلکه بایسته است که] برای آن ها نوحه سرایان ،
 ناله سر دهند و برای مثل ایشان سیلاب اشک ها سرازیر
 شوند.

... و سفر آغاز شد. مبدأ: سرحدات عدم.

مقصد: سر منزل عشق، سبزه ی خط یار و مهبط: اقلیم وجود.

رهر و منزل عشقیم و ز سر حد عدم

تا به اقلیم وجود این همه راه آمده ایم

کاروان نظام هستی همواره قافله سالارانی داشته و دارد از جنس نور و
 حضور. نقشه راه به دستشان و ایشان هم راه و هم همراه تا کوی الله
 «وَ اَهْبَطْتُ عَلَیْهِمْ مَلَائِکَتَکَ، وَ کَرَّمْتَهُمْ بِوَجْهِکَ، وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِکَ، وَ
 جَعَلْتَهُمُ الذَّرِیْعَةَ اِلَیْکَ، وَ الْوَسِیْلَةَ اِلَی رِضْوَانِکَ».

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش به در آید

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائُکَ فِی اَوْلِیَائِکَ».

رَبِّ وَدُودِ اجْتِبَاءِ فَرَمُودِ بَهْتَرِیْنِ هَیْ خَزَائِنِ لَطْفِ وَ عَطْفِ وَ قَدَرِ تَشِ رَا
 «كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ،
 وَ أَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ».

از آنجا که راه بندگی و جاده زندگی پر است از دام و دانه و دلهره، هیچ
 زمین و زمان و زمینه‌ای در طول این سفر دور و دراز خالی از حجت و
 آیت و علامت نیست. چرایش را در جمال دعای ندبه اینگونه جواب
 فرمودند: «وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ
 مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا
 يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ».

آری! پرتو حسن او همیشه و همه جا از تجلی دم زده و سر زده، اما این
 ماییم که آنقدر هوای دل را غبار آلود و غم بار کردیم تا خورشید
 حقیقت نقاب بست. بهتر بگویم ابر او هام و ایهام، زنگار آثام و او ثامن
 پیش چشم جانمان پرده بسته؛

جمال یار ندارد نقاب پرده، ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

برای ما که در حجاب و حیرتیم پرسش به حقی است: «أَيْنَ الشُّمُوسُ
 الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الأَقْمَارُ المُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ ... این ... کجاست؟

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش

آتش طور کجا؟ موعد دیدار کجاست؟

برای دل شدگان و راه یافتگان به حضور حضرت سلطان صرف سؤال از محبوب مطلوب است، نیاز می کند و ناز می بیند، آه می کشد و به تماشای ماه می نشیند. مسافر سرزمین انتظار باید به هوش باشد و علی الاتصال به گوش! این پیچ آخر، این گردنه هولناک، خیلی نفس گیر است. بسیاری تاب نیاوردند و طاقت از کف دادند. عده‌ای راه را گم کرده‌اند و جماعتی بی‌راهه رفته‌اند مضاف بر آن که راه ساختند در مقابل صراط مستقیم امام مبین امیرالمؤمنین ع **﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾** ^(۱)؛ «همانها که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، و با القای شبهات می‌خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛ و آنها به آخرت کافرند».

دریغ و درد که دعوت پیامبر را اینگونه پاسخ گفته‌اند:

﴿لَمْ يُمْثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةٍ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ﴾.

قلیلی هم بر اساس طهارت و تزکیت و دوام مراقبت، فیض مشاهده اشراق لعل لب یار از مشرق **﴿مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى﴾** ^(۲) نصیبشان شد **﴿طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا بَ﴾** ^(۳).

اکنون نیز هستند رادمدردان و زنانی که ندبه فراق سر می‌دهند، به زمزمه

۱. سوره اعراف: ۴۵.

۲. سوره نجم: ۱۱.

۳. سوره رعد: ۲۹.

وصال ره می برند، کوثر حیات می نوشند و از عرش صلاهی «بلی» می شنوند. ترنم «هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى» هنوز بر لبشان گُل نکرده، اذن حضور و شهد شهود روزیشان می شود «رَزَقْنَا اللَّهُ وَآيَاكُمْ» ما باید به حال زار خود فریاد سردهیم بلکه جا دارد جان دهیم. اینک که بار فراق سلطان سیمین ساق پشت امت و ملت را شکسته و صد افسوس این مصیبت عظمی ره آورد «ظهر الفساد في البرِّ والبحر بما كسبت أيدينا وأيدي الناس» است، چاره کار چیست؟

بر سر آنم که گر ز دست برآید

دست به کاری ز نم که غصّه سر آید

نسخه‌های شفابخش و جرعه‌های جانبخش مکتب عصمت برای روزگار ظلمت و ضلالت اکسیر اعظم است؛ اختصاراً به دو روایت که همچون دو گوهر شب چراغ تالو می کند اشارت می کنیم (آن کس است اهل بشارت که اشارت داند).

۱. نیر اعظم پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أفضل العبادة إنتظار الفرج»^(۱)

۲. موعود اُمم حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - در توفیق شریف فرمودند:

«وأكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم»^(۲)

هر چند مجال تحلیل این دو بحر معرفت نیست اما از باب آن که

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. کتاب الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲.

آب دریا را اگر نتوان کشید

بل به قدر تشنگی باید چشید

عرض می کنیم دو عمل اساسی در جهت دهی به همه فعالیت های منتظرین در این دو حدیث بیان شده است :

اولاً: انتظار فعال و پویا که شعله ایمان و امید را همیشه فروزان نگاه می دارد، و ثانیاً: دعا و نجوا با حبیب که جان خسته و افسرده را به لایزال مهر و مدد الهی پیوند می زند. شاید بهترین تمرین و تذکار در عصر انتظار همین عمل مخلصانه و دعای عارفانه باشد. البته دعا، منادات و مناجات با همه سعه معنایی آن مورد نظر است، از مخاطبه داعی حق تعالی را تا مشاهده محبوب و مدعو که همان روح، حکمت و حقیقت دعاست، شاهرهی سریع الوصول برای طی طریق و نیل به سر منزل مقصود. داعی مخلص که دعایش پیراسته از هوا و هوس و حب نفس و خود خواهی باشد، او را از غیبت به حضور و از ظلمت به نور رهبری می کند.

تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش



اثر پر ثمر حاضر موسوم به «زمزمه وصال» در آیینۀ اسناد و اسناد سه گانه صدور، جهت صدور و دلالت را در متن متین دعای عظیم ندبه به

تماشا نشست و دامن دامن ریاحین از بساتین حکمت و معرفت برای شما ارجمندان و ارادتمندان امام سرّ و علن حضرت حجة بن الحسن، دستچین نموده است. گفتنی است جدای از بحث و فحص از منابع و مصادر قدیمی این نجوای عاشقانه که به تفصیل علمای امامیه در طول تاریخ پر افتخار شیعه از آن داد سخن داده‌اند، سطر به سطر و فراز به فراز آن فریاد می زند که این کلام کوه آسا از آبشار پر نگار اهل بیت عصمت و طهارت به قلوب ارادتمندان سرازیر شده است. به طوری که بعضی بزرگان برای هر فقره آن قائل به اجماع شده‌اند، گروهی از محققین با تقسیم آن به ۱۲۴ بخش ذیل هر بند آن مبنایی قرآنی و روایی را ارائه نموده‌اند. در جواب آنان که از روی غرض و مرض و نه از سر تحقیق و تتبع به آفتاب عالم تاب این ذخیره الهی چنگ می زنند و مایل اند که با دهان نور خدا را خاموش کنند از زبان عارف اهل راز حافظ شیراز عرض می کنیم که:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه ای، ای دل خطا اینجاست

■ ختامه مسک ...

در پایان مناسب دیدیم به نقل دو واقعه‌ی روح افزا از فقیه عارف حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه در ارتباط با دعای ندبه و بار یابی به بارگاه قدس امام عصر و امیر مصر وجود علیه السلام اشاره کنیم؛

واقعہ اوّل: مدیریت بنیاد بین المللی دعا حجة الاسلام بروجردی نقل کرده‌اند که روزی قبل از درس خارج فقه شخصی از ایشان در مورد اتقان سند دعای ندبه سؤال کرد، معظّم له در جواب چنین فرمودند:

«متن دعای ندبه بهترین دلیل برای سند این دعاست و غیر معصوم این چنین نمی تواند سخن بگوید».

واقعہ دوّم: همچنین ایشان گفتند که صبح جمعہ ای در معیت آن فقیہ عارف به حرم بی بی فاطمه معصومه علیها السلام مشرف شدیم و جمع مشتاقان در حرم مطہر مشغول زمزمه دعای پرفیض ندبه بودند. مدّاح همین طور که می خواند و ناله سر می داد که: کجاست آقای که عزّت بخش اولیا و خار کننده دشمنان است؟ کجاست آن پیشوایی که تنها امید برای از بین بردن کینه‌ها و دشمنی‌ها است؟ کجاست آن درگاه خداوندی که از آن می توان وارد شد؟ کجاست آن جمال کبریایی که اولیاء خدا به سوی او رو می کنند؟ همین طور نغمه سرگشته گی سر می داد که ناگهان پیر مغان سر از جیب هیبت و پرده مستوری بلند فرمود و این چنین عتاب آلوده غیرت معشوق به رخ محجوبین کشید که: «این آقا می گوید: کجاست آن آقا؟... در حالی که باید بگوید کجا که نیست آن آقا ایشان همه جا حضور دارند و بر اعمال همه ناظرند».

آری او در پس آینه دلبر را می دید و سهم ما فقط حسرت است و اندوه و کوچہ بن بست دلتنگی ...



■ در پایان لازم است از زحمات مؤلف محترم حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید مهدی شمس الدین - که خود از دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و از مهدی پژوهان معاصر هستند - در تالیف این اثر مختصر اما گویا و پرمعنا قدر دانی به عمل آوریم.

خدامان شما در بنیاد بین المللی دعا برای ترویج و تبیین فرهنگ ناب نجوا و نیایش از شما قاریان حدیث عشق می خواهند که در آدینه‌ها ما را نیز از دعای خالص خویش بهره‌مند فرمایید.

اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه.

محمد ارشادی

عضو هیئت تحریریه

قم المقدّسة - ۱۳۹۱ ش

الحمد لله الذى نور قلوب العاشقين بأنوار جماله
و الصلاة على أكمل من أحبه، محمد و آله
سيما بقية الله فى أرضه
و لعنة الله على اعدائهم الى يوم لقائه

۱) دمی با محبوب

سلام بر تو ای حجت خدا در روی
زمین ، سلام بر تو ای چشم خداوند در
میان آفریدگان ، سلام بر تو ای نور خدا
که راه جویان بدان راه یابند و بوسیله
آن از مؤمنان، گشایش کار بشود.
سلام بر تو ای پاک نهاد بیمناک ،
سلام بر تو ای سرپرست پند دهنده ،
ای کشتی نجات و ای چشمه جوشان
زندگی! سلام و تحیت بر تو.
درود خداوند بر تو و خاندان پاکت.
سلام بر تو امید که خداوند شتاب کند
بر وعده‌ای که در یاریات داده.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي
يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ
الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ
الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ

مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ
 عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأُخْرِيكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى
 اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ
 ظُهُورَكَ، وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ،
 وَأَسْتَلُّ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ
 لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى
 أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ
 فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ
 يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ
 وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ
 وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ،
 وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ،
 وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا
 مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ،
 وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ

و بر آشکار شدن امر امامت.
 سلام بر تو ای مولای من.
 من دوستدار توأم، و عارف و دانای به
 آغاز و پایانت، و اینک من بوسیله تو و
 خاندانت به خداوند تقرب می جویم،
 و چشم به راه ظهورت هستم.
 از خداوند می خواهم بر محمد و
 خاندانش درود فرستد.
 از او می خواهم مرا از منتظران چشم به
 راحت قرار دهد، و از پیروان و یاوران
 در برابر دشمنان، و نیز از شهیدان
 پیش رویت، و در گروه دوستدارانت.
 ای مولای من ای صاحب عصر و
 زمان، و جمعه روز توست.
 روزی که انتظار ظهورت را در آن
 داریم، که چون بیایی گشایش کار برای
 مؤمنان و نابودی کافران با شمشیر تو
 رقم می خورد.
 و من ای مولای خوبم! در چنان روزی
 مهمان توأم، پناهنده به تو هستم.
 و تو ای مولای من! هم بخشنده و

کَرِیْمٌ مِنْ اَوْلَادِ الْکِرَامِ، وَمَا مُورٌ
بِالضَّیْفَةِ وَالْاِجَارَةِ، فَاصْفِنِي وَ
اَجْرِنِي، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْكَ وَعَلَى
اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

مهربانی و هم فرزند بخشنندگان با
سخاوت، و نیز مأموری به مهمانداری
و پناه دادن به درماندگان، پس مهمانم
کن. و پناهم بده و درود خداوند بر تو و
بر خاندان پاکت. (۱)

۲ پیام نور

یک:

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سیدصادق شمس الدینی رحمته الله (۲) از
و عاظ محترم شهر مقدس قم ماجرای را مکرر نقل می فرمود که متن آن
ماجرا در کتاب عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب نقل شده،
بدین شرح است: حدود سال ۱۳۶۲ شمسی روزی در محضر آیه الله
العظمی بهجت رحمته الله بودم و ایشان فرمودند:

یک طلبه مبتدی به نام سید حسن یزدی در مسجد جمکران توفیق
زیارت حضرت حجّت - ارواحنا فداه - را پیدا کرده و حضرت بقیة الله علیه السلام
به ایشان مطالبی فرموده اند. خانه ای می خواسته و حضرت به ایشان
مرحمت کرده اند و همچنین سفارش فرمودند که به مجلس دعای
ندبه ای که آن سید طلبه می رفته، برود و ترک نکند، باز امر فرمودند:

۱. زیارت مخصوص روز جمعه حضرت ولیعصر علیه السلام.

۲. پدر مؤلف .

«مصائب عمّه بزرگوارم حضرت زینب علیها السلام را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید».^(۱)

دو:

یکی از علمای کربلا نقل می‌کرد که مرحوم آیت‌الله سید مهدی شیرازی رحمته الله فرمود: در زمان میرزای شیرازی که من در سامرا بودم گاهی اوقات از اوّل شب تا صبح در سرداب مقدّس می‌رفتم و چفت در را از درون می‌بستم تا کسی برایم مزاحمت ایجاد نکند، سپس مشغول قرآن و دعا و توسّل می‌شدم. حال خوبی داشتم. دعاهایی که از حفظ داشتم را می‌خواندم و گاهی نیز برای قرائت قرآن و دعا، شمعی روشن می‌کردم. در شب جمعه‌ای به خواندن «دعای ندبه» مشغول شدم. به جملاتی از آن رسیدم که لازم شد شمع را روشن کنم تا غلط خوانده نشود. شمع را روشن کردم و دعا را ادامه دادم تا آنجا که به این جمله رسیدم:

«وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ»

ناگاه متوجّه شدم که یک آقای طرف راست من نشسته است و فرمود: «وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ» اینگونه صحیح است. بی اختیار به این فکر افتادم که من در سرداب را بسته‌ام و کسی در سرداب نبود! این آقا از کجا آمدند؟ به طرف او برگشتم و دیدم هیچ کس در آنجا نیست!^(۲)

۱. عنایات حضرت مهدی علیه السلام، ص ۶۴.

۲. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲۵.

مرحوم آیه الله علامه حاج سید حسن میرجهانی رحمته الله علیه می فرمودند:
در عصر ریاست و مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه اینجانب بسیار مورد وثوق و توجه معظم له بودم. روزی ایشان پول زیادی به من دادند و امر فرمودند که به سامرا بروم و پولها را بین طلاب سامرا و خدام حرم عسکریین علیهم السلام تقسیم کنم. اینجانب به سامرا رفتم و فرمان ایشان را امتثال کردم و پولها تقسیم شد.

خدام حرم که سنی هستند و دینشان پولشان است، احترام زیادی برایم قائل شدند و من از این احترام استفاده کردم و از کلیددار حرم خواستم اجازه دهد تا شبها به تنهایی در حرم بیتوته کنم و او موافقت کرد. ده شب تا صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهم السلام شب زنده داری و تضرع کردم. قبل از طلوع فجر روز دهم که شب جمعه بود، کلیددار در را برایم گشود و شمعها را روشن کرد. در آن هنگام با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم و از پلهها پایین رفتم. با تعجب دیدم فضای سرداب کاملاً روشن است و گویا شمعها در آفتاب روشن شده اند! سید بزرگواری به قیافه مرحوم سید العراقین اصفهانی به حالت تشهد نشسته و مشغول ذکر و عبادت بود. چون سلام کردن به نمازگزار مکروه است، سلام نکردم و از مقابل ایشان گذشتم و نزد درب «صُفه» ایستادم و زیارت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه را خواندم. سپس آمدم و جلوی آن سید بزرگواری ایستادم و به نماز مشغول شدم.

پس از نماز، مشغول دعای ندبه شدم و با سوز و حال، جملات آن را زمزمه کردم. هنگامی که به جمله «وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ اِلَى سَمَائِكَ» رسیدم، آن بزرگوار از پشت سر فرمودند: «وَعَرَجْتَ بِهٖ اِلَى سَمَائِكَ». معراج پیامبر جسمانی بوده است. «بروحه» از ما اهل بیت نرسیده است. چرا وظیفه را رعایت نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید!؟

من کاملاً غافل بودم! دیگر حال دعا را از دست دادم. دعای ندبه را با سرعت تمام کردم و سپس به سجده رفتم. ناگهان در حال سجده به خود آمدم که: این آقا کیست؟ چرا می‌فرماید «بروحه» از ما اهل بیت نرسیده است؟! و می‌فرماید: چرا جلوتر از امام نماز می‌خوانید؟! آن نور خیره کننده‌ای که در سرداب روشن است و شمعه‌ها را تحت الشعاع قرار داده است از کجاست!؟

بسیار مرعوب شدم و سر از سجده برداشتم تا دامن او را بگیرم، اما دیدم سرداب تاریک است و هیچ کس در آنجا نیست!
 سراسیمه از پله‌ها بالا رفتم. کلید دار را دیدم و از او سؤال کردم که این سیدی که با فلان قیافه اینجا بود، از کدام طرف رفت؟ او گفت: مثل اینکه شما شیعه‌ها وقتی اینجا می‌آید دیوانه می‌شوید!؟
 این حرف‌ها کدام است؟ مگر خودت اولین کسی نبودی که به سرداب وارد شدی؟ مگر ندیدی که من با کلید درها را برایت باز کردم و شمع‌ها را روشن کردم؟! اصلاً کسی اینجا نبود!^(۱)

۳ وادی عشق

برای ورود به وادی عشق و صفای عزیزترین انسان روی زمین بلکه اشرف موجودات کنونی عالم آفرینش، راهی لازم است. و چه راه و مسیری بهتر و نزدیک تر و سهل الوصول تر از مسیر دعا و نیایش! و در این میان نیز چه دعایی بهتر و نورانی تر و تقرّب آورتر از دعای ندبه! در کتب معتبر روایی و منابع شیعه^(۱) به صراحت ذکر شده است که خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه (یعنی روزهای: جمعه، عید قربان، عید فطر، عید غدیر) مستحب است و امر به این استحباب از ناحیه معصومین علیهم السلام صادر شده و مورد توصیه موکّد قرار گرفته است. کما اینکه مرحوم سیّد بن طاووس رحمته الله در کتاب شریف مصباح الزائر به قرائت این دعا بعد از هر نماز صبح تأکید کرده اند.

۴ اصالت سند

اگر چه به شهادت حدیث «مَنْ بَلَغَ» و قاعده «تسامح در ادله سنن» و نیز مفاهیم بلند و عبارات نورانی دعای ندبه خود به خود دلیلی روشن بر قطعیت صدور این دعا از ناحیه حضرات معصومین علیهم السلام وجود دارد و اینگونه دلیل ها در جای خود مورد اعتماد صاحب نظران و محققان می باشد.

۱. مصباح الزائر، ص ۴۴۶؛ اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۴؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷؛ زاد المعاد، ص ۴۹۱؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۷۹.

در عین حال برای دعای ندبه دو سند جداگانه ذکر شده است یکی سند سید بن طاووس رحمته الله (۱) است و دیگری سند مرحوم مجلسی رحمته الله (۲)، که هر دو بزرگوار از مقبولیت بی نظیری در نزد اهل تحقیق برخوردارند و نظراتشان مورد اعتماد و اعتبار است. البته اهل فن برای سند اول، اتقان بیشتری قائلند. مرحوم مجلسی این دعا را از کتاب محمد بن مشهدی که معروف به «مزار کبیر» است نقل کرده، و آن کتاب از منابع معتبر شیعی است (۳) که زیارات حضرات معصومین علیهم السلام را ذکر نموده و جزء زیارت‌های قطعی الصدور و متقن السند را در کتاب خود نیاورده است. (۴) و لذا مرحوم سید به آن اعتماد کامل داشته، و دیگران نیز آن را معتبر دانسته‌اند. (۵)

این دعا با این خصوصیات را مرحوم مجلسی در مجلد ۹۹ بحار الانوار از هر دو کتاب دعای معروف و معتبر علمای سنه ۷۹۶ قمری نقل می‌کند. ابتدا در صفحه ۱۰۴ همان مجلد از کتاب مصباح الزائر سید بن طاووس رحمته الله می‌آورد. وی گوید: «بعضی از اصحاب ما گفته‌اند که محمد بن علی بن ابی‌قره گوید: من این دعا را از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل می‌کنم» آنگاه در صفحه ۱۱۰ گوید:

۱. مصباح الزائر، ص ۴۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴.

۳. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۲۴.

۴. مقدمه کتاب مزار کبیر.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸.

«محمد بن مشهدی در «مزار کبیر» از محمد بن علی بن ابی قره نقل می‌کند که او گوید: من این دعا را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان نقل کردم» سپس مرحوم مجلسی گوید: «گمان می‌کنم که سید بن طاووس هم آن را از همان مزار کبیر محمد بن مشهدی نقل کرده باشد». و مرحوم محدث قمی در کتاب «هدیه الزائرین» صفحه ۵۰۷، دعای ندبه را از سه کتاب مزار نقل می‌کند و بعد از آن توضیحی درباره جمله‌ای از این دعا می‌دهد و می‌گوید: «دعای ندبه از سه کتاب مزار نقل شده، و علامه مجلسی از بعضی از آنها [را] نقل کرده و آن سه کتاب مزار یکی مزار محمد بن مشهدی است که علامه بزرگوار از او تعبیر به «مزار کبیر» می‌فرماید و دیگر کتاب سید بن طاووس است که «مصباح الزائر» نام دارد، و دیگر مزار قدیمی است که ظاهراً از مؤلفات قطب راوندی است. در این سه مزار دعای ندبه از کتاب ابن ابی قره نقل شده و مستندی غیر از آن نیست».

شاید بزوفری مزبور از پدرش حسین بن علی بن سفیان بزوفری که از علماء و راویان بزرگ قرن چهارم، هم عصر و زمان غیبت صغری بوده نقل کرده، و او هم بوسیله نواب اربعه - وکلای ناحیه - از راه مکاتبه و توقیع با امام زمان علیه السلام در ارتباط بوده، و این دعا را هم در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابو جعفر بزوفری رسیده باشد.

و اینک با فرض مجهول بودن سند این دعا و مستند آن، هیچ اشکالی نیست چون به موجب قاعده «تسامح در ادله سنن» علماء و فقهای اسلام درباره سند دعاها و امور مستحبّه ایراد نمی‌گرفتند و همین قدر



که دعایی دارای مضامین خوب در کتاب‌های پیشینیان نقل شده باشد اکتفا می‌کردند، هر چند روایت آن مرسل باشد...^(۱).

چند نکته قابل توجه:

پس از آنکه مطالب فوق تنظیم شد به مناسبتی مطلع شدم که در دو شماره از مجله وزین مکتب اسلام که حدود سی سال قبل به چاپ رسیده است (سال سیزدهم شماره‌های شش و هفت مربوط به سال ۱۳۵۱) تحقیقی درباره دعای ندبه ارائه شده است. به جهت وزانت مطالب و در عین حال اختصار آن، عیناً مقاله مذکور را در این مقطع از بحث می‌آوریم تا مورد استفاده قرار گیرد.

در این بحث سه نکته مطرح می‌شود. یکی شبهه‌ای در رابطه با فرقه کیسانیه، و دیگری پاسخ به اشکالی درباره متن دعای شریف ندبه، و سوم ردّ ایرادی در رابطه با سند این دعا.

نکته اول :

اخیراً در کتابی چنین خوانده‌ایم که در دعای ندبه عباراتی هست که با عقاید شیعه اثنی عشری سازگار نیست و با عقیده فرقه «کیسانیه» شباهت دارد. عین عبارت کتاب را ذیلاً نقل می‌کنیم:

«در دعای ندبه به این مسأله اشاره شده است که می‌پرسد:

«نمی‌دانم کدام سرزمین تو را در بر گرفته است؟»

۱. مقدمه شرحی بر دعای ندبه (علوی طالقانی) ص ۵.

قرار گاهت کجاست؟ در کوه رضوی یا ذی طوی؟...؟
 نمی دانم این دعا که امروز آن را در بسیاری از محافل
 مذهبی؛ خطاب به امام زمان ما می خوانند (و در سال های
 اخیر سخت رواج یافته و گروه های خاصی برای این کار
 تشکیل شده است) چرا سراغ حضرت مهدی را در ذی
 طوی و کوه رضوی می گیرند که جایگاه «محمد حنیفه»
 «امام زمان فرقه کیسانیه» است که معتقدند در این کوه از
 انظار مخفی شده و از آنجا ظهور خواهد نمود و
 پیروانش، با ندبه و زاری در پای این کوه و یا از دور رو به
 این کوه؛ دعا می کردند که خارج شود و قیام نماید.

گذشته از اینکه سرگذشت حضرت مهدی؛ نه در زندگی
 و نه در غیبت صغری و نه در غیبت کبری و نه پس از
 ظهور؛ هیچ رابطه ای با این کوه ندارد اساساً «غیبت او
 بدین صورت نیست که در جای مخصوصی پناه گرفته
 باشد بلکه همه جا حاضر و ناظر است و این ما هستیم که
 او را تشخیص نمی دهیم و بنا بر این، سؤال از اینکه: تو
 در کدام جایگاه مخفی بسر میبری»، ظاهراً با نوع غیبت
 حضرت مهدی موعود شیعه امامیه سازگار نیست.

مطالعه دقیق متن دعای ندبه که از ائمه ما به «تصریح و
 ترتیب» نام نمی برد و پس از حضرت امیر که به تفصیل از
 مناقب و فضائل وی سخن می گوید ناگهان و بی واسطه!



به امام غائب خطاب می‌کند. باز این سؤال را بیشتر در ذهن طرح می‌کند، بهرحال این مطلب را فقط به عنوان یک سؤال علمی مطرح می‌کنم، نه یک قضاوت قطعی».

پاسخ:

دعای ندبه به حق، یکی از دعاهای جالب و پر معنی است. از نظر فصاحت، بسیار فصیح و روان و حساب شده و متین است و از نظر محتوا باید گفت یک دعای علمی، انقلابی، عقیدتی و سیاسی و در عین حال بسیار پر احساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن آگاهی حاصل گردد می‌تواند منبع الهام بخش برای مبارزات اجتماعی و بر ضد ظلم بوده باشد.

در آغاز دعا نخست اشاره‌ای به فلسفه بعثت پیامبران، و سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هر یک، و سپس به طور مشروح‌تر بحثی از قیام پیامبر اسلام و مقامات آن بزرگوار، و بعد مشروح خلافت بلافصل امیر مؤمنان علی علیه السلام با دلایل و مدارک زنده و قاطعی از آیات و روایاتی که مورد قبول همه فرق اسلامی است مورد بحث قرار گرفته، و به علل قیام جمعی از امت بر خلاف اهل بیت و خاندان پیغمبر و شهادت و کشتار و تبعید آنان، و سپس به دعوت امامان یکی بعد از دیگری اشاره رفته است؛ به طوری که قلوب را کاملاً متوجه به قیام مهدی علیه السلام می‌نماید و از آن پس با لحنی عاشقانه و آمیخته با هیجان خاص روحی و عمیق‌ترین احساسات انسانی خطاب به

ولی عصر علیه السلام می شود و ضمن ابراز اشتیاق شدید به قیام حضرتش، برنامه اصلاحی و انقلابی او تشریح می گردد و بعد با چند نیایش زنده و مؤثر دعا پایان می پذیرد (این از نظر محتویات دعا).

اما اینکه بعضی پنداشته اند که این دعا شباهتی با عقاید کیسانیه دارد کاملاً مردود است و قبلاً لازم است چند جمله کوتاه در معرفی مذهب کیسانیه ذکر کرده و سپس شواهد ردّ پندار بالا را از خود دعا استخراج کنیم.

«کیسانیه» آنچنان که در کتب عقاید و مذاهب آمده است: یک فرقه شیعه چهار امامی بودند که پس از علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به امامت «محمد حنیفه» عقیده دارند و گفته می شود علت اینکه آنها را کیسانیه می نامند این است که یکی از هواخواهان سر سخت این مذهب شخصی به نام «کیسان» بود که خود را از علاقه مندان علی علیه السلام معرفی می کرد و بعضی هم «کیسان» را از القاب «مختار بن اَبی عبیده» می دانند و او را از پیروان این مذهب ذکر کرده اند.

گرچه کیسانیه خود منشعب به شعبی شده اند ولی شعبه مشهور آنها عقیده دارند که «محمد حنیفه» هم اکنون زنده است و در کوه «رضوی» در اطراف مدینه در نقطه دور افتاده ای زندگی می کند و خداوند آب آشامیدنی و عسلهای کوهی در اختیار او قرار داده است و «مهدی منتظر» او است.

گفته می شود «کثیر» شاعر معروف عرب از پیروان این فرقه است و هم او است که در اشعارش گوید:

ألا انّ الائمة من قریش
 علیّ والثلاثة من بنیه
 و سبط لا یذوق الموت حتّی
 یغیب لا یرى فیهم زماناً
 ولایة الحق أربعة سواء
 هم الأسباط لیس بهم خفاء...
 یقود الخیل یقدمها الولاء
 برضوی عنده غسل و ماء

شاعر در این اشعار عدد ائمه را چهار نفر: علی علیه السلام و سه نفر فرزندش را ذکر می کنند و سپس به غیبت محمد بن حنیفه در کوه رضوی اشاره می نماید. امروز این فرقه کمتر پیروان شناخته شده ای دارد، و غالباً ما نام آنها را در کتب تاریخ ادیان می یابیم.

اکنون به اصل سخن باز گردیم. دعای ندبه با صراحت تمام مذهب کیسانیه را نفی می کند و با عقاید شیعه اثنی عشری کاملاً منطبق است زیرا: ۱- در سه جمله از دعای ندبه در باره نسب حضرت مهدی می خوانیم «و ابن خدیجة العراء»، «و ابن فاطمة الکبری»، «و جدّته الصدیقة الکبری فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله». یعنی او از فرزندان خدیجه و فاطمه علیها السلام است.

در حالی که محمد بن حنیفه هیچگونه نسبتی با «خدیجه» و نه با حضرت «فاطمه» دخت پیامبر اسلام ندارد، چه اینکه مادرش «خوله حنیفه» دختر جعفر بن قیس بود، نه ارتباطی با خدیجه داشت و نه با فاطمه زهرا علیها السلام با این حال جای تعجب است که کسی برای دعای ندبه شباهتی به عقاید کیسانیه قائل گردد. اگر فرضاً کلمه «رضوی» ایجاد شبهه کرد (که خواهیم دید نمی کند) این سه جمله صریح، هرگونه شبهه ای را می تواند برطرف سازد.

۲- در این دعا بعد از جمله «أَيْنَ ابْنَاءِ الْحُسَيْنِ» می خوانیم «صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ» کجا هستند فرزندان امام حسین علیه السلام صالحی پس از صالح دیگر، و راستگویی پس از راستگویی دیگر، کجا هست راه به سوی خدا پس از دیگری، انتخاب شده ای (از سوی خدا) پس از دیگری، کجا هستند خورشیدهای درخشان، و ماههای تابان و ستارگان فروزان، و پرچم های آیین حق و پایه های علم و دانش. سپس جمله را به صورت مفرد آورده و می گوید: کجاست آن کس که خدا او را ذخیره کرده است...؟

این جمله مکرر به روشنی می گوید بعد از امام حسین علیه السلام امامان متعددی بودند که یکی پس از دیگری برای اصلاح امت و دعوت به سوی خدا ذخیره الهی بودند و امام عصر - عجل الله فرجه - را به صورت مفرد بیان کرده است.

با این حال [آیا] می توان شباهتی برای دعاء ندبه با عقاید کیسانیه پیدا کرد؟ آنها که نه برای فرزندان امام حسین علیه السلام منصبی قائل هستند و نه غیر از محمد بن حنفیه امامان دیگری را به رسمیت می شناسند.

آیا جای تعجب نیست که گفته شود پس از ذکر ولایت علی علیه السلام مطلب پریده شده و امامان وسط نادیده گرفته شده اند و تنها سخن از مهدی به میان آمده و این مناسب عقیده فرقه کیسانیه است! آیا این ده جمله پی در پی درباره امامان دیگر به خاطر اینکه اسمشان صریحاً برده



نشده کافی به نظر نمی‌رسد؟! آیا برای نفی عقاید کیسانیه ده جمله کم است؟!

۳- در جمله‌های «بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ مُعِیْبٍ لَمْ یَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ نَاوِیْحِ مَا نَزَحَ عَنَّا» خطاب به ولی عصر علیه السلام می‌گوییم: «جانم به فدایت که پنهانی ولی از ما خالی نیستی و دوری هستی که از ما جدا نیستی»... در این دو جمله مهدی علیه السلام را در میان خود و نزدیک به خود معرفی می‌کنیم و این خود می‌رساند که غیبت او به این معنی نیست که همچون یک موجود نامرئی و در مکان خاص از چشمها پنهان باشد، بلکه به صورت ناشناس در اجتماعات رفت و آمد دارد و محلّ ثابتی برای او وجود ندارد.

۴- از آنچه در بالا گفتیم روشن شد که فقرات این دعا یکی پس از دیگری عقیده فرقه خرافاتی کیسانیه را نفی می‌کند و با عقیده شیعه اثنی عشری کاملاً منطبق است.

تنها چیزی که باقی می‌ماند وجود کلمه «رضوی» در یکی از جمله‌های این دعا است، که نکته آن با مراجعه به مدارک و منابع اسلامی روشن می‌گردد.

توضیح اینکه: «یا قوت حموی بغدادی» نویسنده معروف در کتاب «معجم البلدان» درباره «رضوی» چنین می‌نویسد:

«رضوی... کوهی است در اطراف مدینه و رضوی (بر وزن رجبی) منسوب به آن را گویند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این کوه فرمود: رضوی کوهی است که خدا از آن راضی و خشنود است سپس بعد از نام بردن از

کوه‌های مقدس دیگر در ذیل کلام خود می‌گوید: «عرام بن اصبع سلمی» گفته است: «رضوی کوهی است که از «ینبع» یک روز فاصله دارد و در هفت منزلی مدینه است و یکی از کسانی که این کوه را سیر کرده به من اطلاع داد که آب فراوان و درختان بسیاری دارد، و این همان کوهی است که طایفه کیسانیه می‌پندارند «محمد بن حنفیه» در آن اقامت دارد و زنده است».

و اما «ذی طوی» که بعد از کوه «رضوی» در دعای ندبه آمده یکی از کوههای اطراف مکه است که در راه «تنعیم» قرار دارد و یک فرسخ از مکه فاصله دارد و از آنجا خانه‌های مکه دیده می‌شود.

در روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده که حضرت قائم علیه السلام از طریق ذی طوی وارد سرزمین مکه می‌شود و نخست با مجاهدانی به تعداد مجاهدان بدر (نخستین برخورد اساسی اسلام و کفر) به کنارخانه کعبه می‌آید و پرچم انقلاب و پیروزی را در آنجا برمی‌افرازد.

از آنچه در بالا ذکر شده، نتیجه می‌گیریم که «رضوی» از کوههای مقدس بوده و در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده است. (مقدس بودن یک سرزمین یا یک کوه یا مثلاً حجر الأسود به خاطر جنبه‌های تاریخی و حوادث مهمی است که در طول تاریخ بشر بر آنها گذشته و مربوط به صحنه‌های فداکاری مردان خدا است که به خود دیده است).

بنابراین، کوه «رضوی» پیش از آنکه در عقاید کیسانیه نقشی پیدا کند در سخنان پیامبر وارد شده است بلکه شاید انتخاب این کوه از طرف کیسانیه برای عقاید خود به خاطر همان «قداست» آن بوده تا رنگ



قداست به معتقدات باطل خود بدهند. با این حال اگر رضوی در دعای ندبه آمده، آن را باید به ریشه اصلی که در گفتار پیامبر است برگردانیم نه به عقیده کیسانیه که جنبه فرعی دارد.

شاهد دیگر این سخن ذکر کوه «ذی طوی» که در نزدیکی مکه است می باشد زیرا ذی طوی به هیچ وجه دخالتی در عقاید کیسانیه ندارد و از همه گذشته کلمه «أم غیرها» است (یعنی یاغیر اینها) که در دعای ندبه آمده، و این خود دلیل بر این است که حضرت مهدی عجل الله فرجه بر خلاف پندار کیسانیه محل خاصی ندارد و در شهرها و کوهها و نقاط مختلف جهان ممکن است رفت و آمد داشته باشد و همچون جدش پیامبر صلی الله علیه و آله که گاهی در جبل النور و غار حرا و زمانی در کنار خانه کعبه و زمانی در میان مردم مکه یا مدینه بود حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز در نقاط مختلفی ممکن است بسر برد و گاهی نیز در میان ماست.

ما امیدواریم در آینده کسانی که می خواهند با اینگونه مسائل خرده گیری کنند برای اثبات حسن نیت خود «قبلاً» آنرا با جمعی از متخصصان و اهل فن که عمری در مباحث اسلامی زحمت کشیده اند در میان بگذارند اگر پاسخی در یافت نکردند کاملاً آزادند آن را نشر دهند ولی اگر پاسخ آنرا شنیدند افکار عمومی را مشوب نساخته باشند.

نکته دوم :

ذکر این نکته نیز لازم است که اخیراً کتابچه مختصری درباره دعای

ندبه و حمله به سند و متن آن انتشار یافته که در نوع خود عجیب است نویسنده این کتابچه ایراداتی بالحنی زنده بر دعای ندبه گرفته است که هیچکدام آن درست نیست و چون نیاز زیاد به بحث علمی ندارد یکی دو مورد آن را به عنوان نمونه مطرح می‌کنیم، و وضع بقیه را می‌توان از آن به دست آورد.

۱- نخستین اشکالی که بر متن دعا می‌گیرد این است که چرا راجع به حضرت ابراهیم علیه السلام در دعا چنین آمده است «وَسَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَيْنَ فَاجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا» سپس ایراد کرده که جمله «جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا» اصلاً تناسبی با جمله قبلی ندارد (مثل اینکه ایراد کننده خیال کرده کلمه «علیاً» را به معنی علی علیه السلام می‌گیریم!).

ولی با مراجعه به قرآن معنی دو جمله کاملاً از هر جهت روشن است زیرا قرآن در آیه ۸۴ سوره شعراء از قول ابراهیم نقل می‌کنند که از خداوند تقاضا کرد «اجْعَلْ لِي و لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَيْنَ» در آیه ۵۰ سوره مریم درباره ابراهیم و اسحاق و یعقوب می‌گوید «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» از ترکیب این دو آیه به هم جمله‌ای که در متن دعا است اقتباس شده است.

این اقتباس زیبا از دو آیه قرآن عیبش کجاست؟ آیا سر سوزن اشکالی دارد؟ و معنی مجموع دو جمله این است: ابراهیم از تو خواست که آیندگان از او به راستی یاد کنند و تو دعای او را اجابت کردی و آن را بطور عالی و کامل قرار دادی.

و آخرین اشکال او بر متن دعا این است که جمله «ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ



مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

(یعنی پاداش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را دوستی خاندانش قرار دادی و در قرآن فرمودی بگو از شما پاداشی جز دوستی آنان نخواهم) با آنچه در قرآن آمده که «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا»^(۱) (یعنی هیچ پاداشی از شما نمی خواهم) تناقض دارد زیرا در یک جا پاداش می خواهد و در جای دیگر نمی خواهد.

جالب اینکه پاسخ این ایراد را خود دعای ندبه در جمله بعدی با ذکر آیه سومی به وضوح بیان کرده است آنجا که می گوید: «وَقُلْتُ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (یعنی آنچه به عنوان پاداش خواستم نه به سود من بلکه به سود خود شماست).

زیرا مودت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وسیله ای برای اقتباس از علوم و معارف و هدایت آنهاست، بنابراین، در حقیقت پیغمبر اکرم هیچگونه اجر و پاداشی در برابر رسالت از مردم نخواسته است. و آنچه خواسته سودش به خود مردم باز می گردد.

خلاصه اینکه متن دعا بسیار عالی و حساب شده و فصیح است، و اینگونه اشکالات از عدم توجه به آن صورت می گیرد.

البته در کتب رجالی ما به تفصیل درباره سلسله روایات این دعا بحث های تخصصی ارائه داده اند که طالبان می توانند به آن منابع که در دسترس است مراجعه کنند.^(۲)

۱. سوره انعام: ۹۰.

۲. معجم الرجال آیه الله العظمی خوئی، ج ۱۷، ص ۲۵۹؛ رجال نجاشی، ص ۲۸۴.

نکته سوّم :

بحث دیگری نیز درباره سند این دعای شریف مطرح است و آن اینکه انشاء این دعا از ناحیه کدامیک از ائمه علیهم السلام بوده است؟ بعضی معتقدند^(۱) که حضرت ولیّ عصر - ارواحنا فداء - این دعا را انشاء کرده‌اند، و برخی دیگر^(۲) می‌گویند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام انشاء کننده این دعا بوده‌اند.

با توجه به آنکه شاخص‌ترین راوی این دعا یعنی محمد بن حسین بزوفری که مورد اعتماد و توثیق مرحوم شیخ جلیل‌القدر مفید رحمته الله است، از نظر زمانی در نزدیکی‌های غیبت صغری زندگی می‌کرده، می‌توان گفت که این دعای شریف از توقیعات حضرت امام عصر علیه السلام است که برای او صادر و ارسال شده است.^(۳)

۵ زیباترین فراز

انقلاب اسلامی کشور ما اگر چه دارای کم و کاستی‌های طبیعی بسیاری است که قابل انکار نیست اما بدون تردید برکات و خیرات بسیاری نیز با خود به ارمغان آورده که هیچ اندیشه سلیم و چشم بینا و وجدان منصفی قادر به نفی آن‌ها نمی‌باشد که در جای خود قابل بحث و بررسی و اثبات است.

۱. مصباح الزائر، ص ۴۴۲.

۲. زاد المعاد، ص ۴۹۱.

۳. مجله مکتب اسلام، شماره ۱۳.

یکی از برکات بزرگ این انقلاب که البته با تحمیل جنگ بر کشور ما - علیرغم همه خساراتی که داشت - به اوج خود رسید و در سال‌های اخیر به عنوان رکن اساسی کشور مطرح است و در ردیف برنامه‌های هفتگی قشر عظیمی از هموطنان عزیزمان قرار گرفته است مسئله رویکرد عمومی به دعای شریف ندبه است. و این نتیجه معنوی و الهی و ولائی و فرهنگی بودن انقلاب است.

بسیار زیادند آنانی که روزهای هفته را شمارش می‌کنند تا روز جمعه فرا برسد و در آغازین ساعت آن به ادب و رزق در برابر ولی عصر - ارواحنا فداه - پردازند و زیباترین فراز زندگی هفتگی خود را رقم بزنند و از نور عظیم المثل آن نور مجسم الهی بر وجود خود بتابانند و هفته‌ای جدید را با نور محبوب خود شروع کنند و به پایان برسانند.

۶ سیری گذرا!

شرح و تفسیر دعای ندبه غیر از آنکه مکرر به وسیله آنان که دارای اهلیت هستند انجام شده است ولی باز هم زمینه بسیاری دارد و هنوز ناگفته‌های زیادی در لابلاهای فرازهای نورانی آن به چشم می‌آید.

در این مقال امکان شرح و بسط مبسوط تمامی فرازهای دعای شریف ندبه وجود ندارد، و لذا اشارتی گذرا و سیری سریع بر سرفصل‌های مهم دعا خواهیم داشت و پی‌گیری مبسوط آن را به صاحبان ذوق و تخصص وامی‌نهمیم.

۷ ندبه در فصل‌ها

با یک نظر اجمالی به دعای شریف ندبه می‌توان ۱۰ فصل مجزاً و جداگانه را به عیان مشاهده کرد:

۱. حمد و سپاس .
۲. مبانی تاریخ دین .
۳. پیامبران الهی .
۴. نبی خاتم .
۵. امامت و ولایت .
۶. ناسپاسی‌ها و ظلم‌ها .
۷. عزیزترین .
۸. به درگاه منجی .
۹. استغاثه .
۱۰. وفاداری .

و اینک گذری اجمالی بر فصول یاد شده را به نظاره می‌نشینیم و از طراوت گلستان جملات نورانی و معطر دعای ندبه بهره‌گیریم و مشام جان می‌نوازیم و گام به گام با فرازهای دعا به پیش می‌رویم که هر گامی او جی ملکوتی است و صعودی ربّانی .

دعای ندبه اگر با توجه و دقت خوانده شود از نقطه صفر بشری ما را حرکت می‌دهد و به قلّه کمال معرفت ربوبی می‌رساند و با بیان نورانی «وَأَنْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا

بِجُودِكَ»؛ «پروردگارا! به رحمت و لطف خود بر ما نظر فرما تا بدان نظر، کرامت نزد تو را به حدّ کمال رسانیم و به نقطه اوج کمال و شرافت دست یابیم، و آنگاه این مقام عالی ملکوتی را به جود و رحمت و بخشش خود از ما سلب مفرما» به پایان می‌رسد.

۱ - حمد و سپاس

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...

توجه به حمد و سپاس الهی با رویکرد مشیّت پذیری پروردگار و تسلیم‌مندی در نعمت و راحت یا بلا و رنج.

۲ - مبانی تاریخ دینی

...الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ...

کرامت الهی در برگزیدن اصفیاء الهی و انبیاء گرامی پس از آن بود که آنان را در یک آزمون مهم مورد امتحان قرار داد و آنان با برترین امتیاز پذیرفته شدند. آن آزمون الهی عبارت بود از زهد و بی رغبتی به مقام و پول و جاذبه‌های دنیوی.

در حقیقت پس از آنکه انبیاء و اولیاء الهی نسبت به جاذبه‌های مادی از خود رغبتی نشان ندادند و فریفته آن نشدند و نیز بر ولایت پذیری پیامبر خاتم و اوصیاء او تسلیم و پذیرش از خود بروز دادند، خداوند ایشان را پذیرفت و در قرب خود جای داد و نامشان را عالمگیر ساخت و فرشتگان را بر آنها نازل کرد و بر علم بی کران خود کلید دارشان نمود و آنان را واسطه و وسیله محکم بین خود و مخلوقات قرار داد.

۳ - پیامبران الهی

فَبَعْضُ اَسْكَنتَهُ جَنَّكَ...

در این فراز به گوشه‌هایی از تاریخ زندگانی بعضی از انبیاء الهی می‌پردازد. پیامبرانی چون آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام. و بر کرامات و عنایات الهی در ابعاد مادی و معنوی بر آنان تأکید دارد.

۴ - نبی خاتم

إِلَىٰ أَنْ اِنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ...

سپس به آخرین فرستاده‌اش حضرت پیامبر خاتم اشاره دارد. صفات و ویژگی‌های او رابه اجمال بیان می‌دارد، برتری‌هایی چون: علم به گذشته و آینده، حفاظت به وسیله جبرئیل و میکائیل، حاکمیت مطلق او بر عالم، سفرهای آسمانی با مرکب‌های خارق العاده، فتح تمام سنگ‌های کفر و شرک و...

۵ - امامت و ولایت

الف: ائمة اطهار علیهم‌السلام

وَقُلْتَ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...»

طهارت ذاتی اهل‌بیت، و جوب محبت و عشق به ایشان به عنوان مزد رسالت پیامبر اکرم، قرار دادن محبت اهل‌بیت در سیر محبتی



(نه ریاضتی)، به عنوان شرط سلوک موفق الی الله، از مباحث مهمی است که در این مقطع مورد توجه قرار گرفته است که اگر چه فrazی است کوتاه اما بسیار پر معنا و مهم و عمیق است.

ب: امیر المؤمنین علیه السلام

فَلَمَّا انْقَضَتْ اَيَّامُهُ، اَقَامَ وَلِيِّهٗ عَلِيٌّ بِنَ اَبِي طَالِبٍ...

در این فراز به ویژگی‌ها و صفات و برتری‌های مولانا امیر المؤمنین علیه السلام پرداخته شده است. ماجرای غدیر خم و نصب مولا به جانشین پیامبر اکرم، دعا و نفرین خدا و رسول بر دوستان و دشمنان او، حدیث منزلت، شوهری برترین زنان عالم، گشوده ماندن درب خانه‌اش به مسجد، خزانه داری علم و حکمت مدینه علم و حکمت رسول خدا، وراثت و وصایت آن حضرت، نزدیکی فوق العاده به پیامبر در حد هم گوشت و هم خون بودن با او، کوثر دار قیامت، جایگاه خاص او و شیعیانش در بهشت، شاخص و میزان حق بودن، صراط مستقیم خداوند، و...

و در پایان به قضایای تلخ تاریخ پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازد و از ظلم‌ها خیانت‌ها و نبردهای ناکثان و قاسطان و مارقان با آن حضرت سخن می‌گوید. خیانت‌هایی که منجر به فجیع‌ترین حادثه تاریخ بشری شد که آن به قتل رساندن مجسمه و الگوی همه خوبی‌ها و هدایت‌ها بود.

۶ - ناسپاسی‌ها و ظلم‌ها

لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...

در این فراز به ناسپاسی‌ها در برابر تمام خوبی‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امت آورد می‌پردازد. سخنش را نشنیدند، امرش را جز معدودی از مردم اطاعت نکردند و فرزندان او را آزرده‌اند، عده‌ای را کشتند، عده‌ای را اسیر و در بند داشتند، عده‌ای را زندانی و محاصره کردند، و فجایعی دردناک آفریدند که باید بر آن گریست و زاری کرد و فریاد برآورد (فَلْيُنْكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَيَضِحُّ الضَّاجِحُونَ، وَيَعِجُّ الْعَاجِحُونَ...) و این حق است و لازمه وفاداری نسبت به اهلیت گرانقدر آن عزیزی که حق حیات بر گردن امت بی وفا دارد!

با حسن و حسین علیهما السلام چه‌ها که نکردند! و بر خورشیدهای فروزان هدایت و نور چه پرده‌ها که نیفکندند و چه جنایاتی که مرتکب نشدند!!

۷ - عزیزترین

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَّةِ...

اینک دعای ندبه پس از گذر از یک تاریخ پر التهاب، به نقطه اوج خود می‌رسد و بر درگاه حضرت حق تبارک و تعالی از «عزیزترین» خلق خداوند می‌گوید. سخن از منجی بشریت است. سخن از مهدی علیه السلام است. صفات و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام در این فراز مهم و

نورانی دعا مورد توجه است، صفاتی چون: وابستگی به خاندان رسالت و امامت، در هم کوبندهٔ ظلم و ستم جهانی، اصلاح جامعه پر از ظلم و فساد، احیاگر دین و مبانی معرفتی قرآن، بر هم زننده بساط عیش و نوش و بد مستی مفسدین و منافقین و مشرکین و عصیانگران و طاغیان در سطح جهان، قطع کننده ریشه‌ها (نه رو بناها) و اساس خصلت‌های زشت و شیطانی چون دروغ و افتراء و تهمت و انحراف، عزت بخش دوستان خدا و خوار کننده دشمنان و مخالفان، مسیر روشن عبودیت برای سالکان الی الله، مایهٔ امنیت و برکت و حیات آفرینش، واسطهٔ فیوضات مادی و معنوی الهی برای مردم، انتقام گیرندهٔ خون‌های به ناحق ریخته شده، منتقم خون سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام و...

آنگاه به اصل و نسب شریف و انحصاری آن حضرت پرداخته می‌شود و نکات بسیار مهم و ملکوتی و آسمانی و نیز ظرافت‌های عمیق عرفانی و فلسفی درباره او می‌پردازد، که هر یک از آن فرازهای نورانی، بحثی گسترده و علمی و دقیق را می‌طلبد که باید در جای خود بدان پرداخته شود.

۸ - مکالمه عاشقانه

لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، ...

در این فراز با رویکردی عاشقانه به مکالمه با محبوب پرداخته می‌شود. ای عزیزترین! کاش می‌دانستم کجا هستی و تو را در آنجا

می یافتم و به نزدت می آمدم! زیرا دوری تو برایم بسیار دردناک است! اینکه همه را ببینم مگر تو را! اینکه هر صدایی را بشنوم جز صدای دلنشین تو! اینکه تو در ناراحتی و اندوه باشی! اینکه بگریم که چرا مردمان تو را سبک می شمارند و اطاعت نمی کنند! و تو را یاری نمی رسانند! و... آری همه این امور برایم سخت و دردناک است.

ای کاش می دانستم چه زمان می آیی؟ چه زمانی به دست بوسی ات مفتخر می شوم؟ چه زمانی از زلال حضورت سیراب می گردم؟ چه زمانی ظلم را کمر می شکنی و عدل را استوار می سازی؟ چه موقع دشمنان را به خاک مذلت می نشانی و سرکشان را هلاک می کنی؟

۹ - استغاثه

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوَى...

پس از یک فصل پرشکوفه با یار سخن داشتن، اینک نوبت به استغاثه با معبود فرا رسیده است.

ای معبود بزرگ من! تو گشاینده گره های زندگی هستی! تو حاکم دنیا و آخرتی! تو فریادرس درماندگان هستی! تو همه قدرت های عالم را در اختیار داری! پس به فریادمان برس! و فریاد رس ما را برسان! اندوه و غم ما را با ظهورش بردار! آتش فراق را با شبنم دیدارش فرو بشان! که ما بندگان در مانده و در راه مانده ایم. حق را دوست می داریم و برگسترش آن دعا می کنیم، و از باطل سخت گریزانیم و نابودی اش را خواستاریم. پس

دینت را با ظهورش گسترده گردان، باطل را خاموش ساز، دوستانت را با ظهور او به آقایی جهان برسان و دشمنانت را خوار و ذلیل ساز...

و در هر حال خاضعانه از تو می خواهیم که آن عزیزترین را مورد رحمت و برکت و حفظ و اعانت خویش قرار دهی و برترین سلام و دروهای جاودانه را نصیبش سازی.

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً لِاُغَايَةِ لِعَدَدِهَا، وَلِاُنْهَائِيَةِ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا.

۱۰- وفاداری

اَللّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ اِلَى وِلْيَتِكَ...

و ما بندگان کوچک توئیم. در هر حال بر مشیت نورانی و عرشیات تسلیم هستیم. مطیع امر رسالت و تابع حکم ولایت و امامتیم. تو نیز بر ما منت بگذار و در راه حق پایدارمان بدار. دشمنان و بدخواهان بسیارند و راههای منتهی به شیطان و ضلالت و گمراهی بسیار فراوان! و جز با لطف و عنایت ربوبی تو و جز سایه نورانی عترت گراندقدر رسول خاتم ﷺ هیچ امیدی به ثبات قدم در مسیر حق و صراط مستقیم وجود ندارد. پس ما را به خود وامگذار، سلام خالصانه ما را بر حجت غایت ابلاغ فرما، دعای مشفقانه او را در حق ما به اجابت برسان، و ما را در پایان کار به همراهی و همنشینی با شهیدان و بهشتیان و سعادت یافته گان مفتخر فرما.

آمین یا رب العالمین

متن دعای

شریف ندبه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود خدا بر آقای ما

مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا. اَللّٰهُمَّ لَكَ

محمد پیامبرش و بر آل او و سلام کاملی بر ایشان باد خدایا از آن تو است

اَلْحَمْدُ عَلٰی مَا جَرٰی بِهٖ قَضَائُكَ فِی اَوْلِیَائِكَ

ستایش بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو دربارهٔ بندگان مقربت آنانکه

اَلَّذِیْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَدِیْنِکَ اِذْ اِخْتَرْتَ لَهُمْ

خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود چون انتخاب کردی

جَزِیْلًا مَّا عِنْدَکَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِیْمِ الَّذِیْ لَا زَوَالَ

برای آنها آن نعمت شایان و پایداری که نزد تو است آن نعمتی که زوال و نابودی

لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ

برایش نیست، (و این) پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند

فِي دَرَجَاتٍ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنْيَا وَزُخْرُفِهَا

از درجات (و ریاستهای) این دنیا و از زیب و زیورش

وَزَبْرِجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ

و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی

بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ

و پذیرفتی آنها و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ

و ثنائی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را

وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمْ

و گرامی داشتی آنان را به وحی خود و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی

الدَّرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضُ

واسطه درگاهت و وسیله ای بسوی خوشنودیت پس برخی را

أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُ

در بهشت جا دادی تا آنگاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را

حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ أَمَّنَ مَعَهُ مِنْ

در کشتی خود سوار کردی و او و همراهانش را که ایمان آورده بودند به مهر خود از



پیامبران
الهی